

## عربستان ، در آستانه انقلاب

شبه جزیره عربستان - سهم عرب در تمدن اسلام - تمدن باستانی  
عرب - حجاز بدوی - دین عرب در دوران جاهلیت - تابلو درهم  
ریخته - تجارت و پرده داری قریش - بازارها و ادبیات عرب -  
آداب و رفتار جاهلی

### شبه جزیره عربستان

زادگاه تمدن اسلامی شبه جزیره می است که گرداگردش را آبهای خلیج فارس، خلیج  
عمان ؛ دریای عرب ؛ خلیج عدن و بحر احمر فرا گرفته است ، و تنها در قسمتی از شمال عراق  
و اردن محدود است .

این شبه جزیره که بیش از سه میلیون کیلومتر وسعت دارد ؛ از بیابانهای خشک و سوزان  
و قسمتهای ساحلی گرم و مرطوب و نواحی کوهستانی معتدل و حاصلخیز تشکیل شده است .  
منطقه جنوب غربی این سرزمین - بلادین - ناحیه آباد و نمایشگاه قدیمیترین تمدن عرب  
بوده ؛ و در مقابل ، سرزمین حجاز از نواحی خشک و بی آب و علف محسوب میشود .

### سهم عرب در تمدن اسلام

جمعی از تاریخ نویسان برای عرب در تمدن اسلام سهمی قائل نشده اند ، چه آنانرا قبل  
از طلوع اسلام قومی وحشی میدانند . در مقابل ، گروهی دیگر برای اثبات لیاقت عرب، سخن  
از تمدن باستانی و آثار شمال و جنوب عربستان میگویند ، و در هر حال نمیتوان منکر شد که:  
عرب در برخی نواحی از خود تمدنی باستانی داشته است ولی حجاز که زادگاه تمدن اسلامی  
است ؛ باعتراف همه هیچگونه سابقه تمدن نداشته است ، و در عین حال از همین مردم برای  
بسط تمدن اسلامی استفاده شد .

بطوریکه میتوان ادعا کرد که : تمدن اسلامی ، در پرتو الهامات آسمانی اسلام ،  
بر روی خرابه های تمدن ایران و روم ؛ بدست عربها و همکاری ایرانیان ، در دنیا بوجود

آمده است .

## تمدن باستانی عرب

در شمال و جنوب عربستان ، جسته و گریخته آثاری دیده میشود ، که بر وجود تمدنی کهن دلالت دارد . سلطنت غسان که بدست یمنیها در شمال بنیانگذاری شده بود ، شصت شهرزیا در خود بوجود آورده و بیش از پانصدسال دوام میکنند . حیره شهریکه در زیبایی باسلطنتیه و پایتخت ایران قات میکرد در عربستان واقع شده بود .

البته سلطنت حیره و غسان با ایران و روم ارتباط داشت ولی تمدنهای جنوبی صددرصد عربی بود . این سرزمین یمن است که از زیبایی افسانهها بوجود آورده است و بقول شعر ابون جهانگرد نامی روم در قرن اول قبل از میلاد ؛ ساختمانهای شهر مارب از عاج ساخته شده و با لوحهای زراندود و جواهرات تزئین یافته بود ؛ و بقول هرودوت ( قرن چهارم قبل از میلاد ) دروازهها و طاقهای آن از طلازینت یافته بود . ماجرای سیل عرم ( ۱ ) و حدیث عاد و ثمود ( ۲ ) شاهد سرزمینهای مملو و آبادانیهای فراوان و کاخهای رفیعی است که گرفتار سیل و طوفان و صاعقه آسمانی و زمین لرزههاییکه از شعلههای غضب پروردگار سرچشمه گرفته است ، شده و از آنهمه تمدن و جلال جز خرابههایی باقی نمانده است . خرابه های امروز عدن - صنعاء - حضرموت ؛ شاهد تمدن عظیم قحطانیها است ، که پهلو پهلو تمدن فینیقیه و بابل میزند .

کاروان صبور عرب بازرگانی شرق دور را بمهده داشته و اروپای قدیم را با اقصا ممالک آسیا مرتبط میکرد . بازرگانان هندی ؛ کالاهای خود را از دریای هند به یمن و حضرموت میآوردند و بازرگانان یمن آنرا بحیثه مصر و فینیقیه و فلسطین و شهرهای مدین و کشور مغرب حمل میکردند و عربهای اسمعیلی - مردم نجد و حجاز - همان کالاهارا از راه خشکی تا آخرین نقطه آباد دنیای آنروز میرساندند . ( ۳ )

## حجاز بدوی

پرچمدار تمدن باستان عرب ؛ عرب قحطانی است که باقتضای محیط بر آب و حاصلخیز خود تمدنی فراهم آورده است ؛ ولی عدنانیها که نوادههای حضرت اسمعیل بوده و از حدود

۱-سوره سبأ به ۱۴-۱۵ .

۲-سوره قمر آیات : ۱۸ تا ۳۲ .

۳-تاریخ تمدن و بل دورانت بخش اول ص ۴۳-تمدن اسلام و عرب صفحات ۹۶ تا

۱۰۴-تاریخ تمدن اسلام ص ۱۲ تا ۱۴ جلد اول .

بیست قرن قبل از میلاد در حجاز مسکن گزیده اند، بحال بدوی باقی مانده بودند. چه، سرزمین آنان بهلت خشکی و بدی آب و هوای مجال نشو و نما می پیدانکرده بود؛ و آننگهی سختی راهها دست مردم متمدن آن روز را از دامن آنان کوتاه کرده بود، بطوریکه جهانکشایان بزرگ دنیا مانند اسکندر مقدونی (قرن ۴ ق. م) و رامسیس دوم (قرن ۱۴ قبل از میلاد) و اپلیوس گالوس (قرن اول میلادی) و همچنین پادشاهان بزرگ ایران از تسخیر این سرزمین عاجز ماندند.

جمعی از مردم یمن پس از خرابی سد مأرب بحجاز آمده و رفته رفته مردم حجاز هم بشهر نشین و بادیه نشین تقسیم شدند و سه شهر مکه و مدینه و طائف در این سرزمین نضج گرفت؛ یهود هم که جمعی از آنها از ۱۵۵۵ قرن قبل از میلاد - زمان حضرت موسی - در حجاز بودند؛ پس از خرابی اورشلیم نیز بحجاز مهاجرت کرده و در سه شهر نامبرده مسکن گزیدند. مهاجرت یهود در وضع دینی و اجتماعی اعراب بی تأثیر نبود

### دین عرب در دوران جاهلیت

حدود ۲۰ قرن قبل از میلاد، ابراهیم بفرمان پروردگار، فرزند خود اسمعیل و مادرش هاجر را در نقطه می کوهستانی منزل داد. پیدایش زمزم جمعی از باده نشینان را باین نقطه کشانید. چندی بعد حضرت ابراهیم مأمور شد که بکمک فرزندش اسمعیل خانه کعبه را بنیان نهد (۱) چه میدانیم، شاید ابتدا این خانه بدست حضرت آدم ساخته شده و توسط شیث و بعدها حضرت نوح تجدید و تعمیر شده باشد و سرانجام ماجرای طوفان این خانه را بدست فراموشی سپرده و بار دیگر ابراهیم پایه هایش را بالا آورد. با ساختن این خانه شالوده شهر مکه هم ریخته شد. از این اسمعیل فرزندی بنام عدنان بوجود آمد که جد اعلای اعراب عدنانی؛ ساکنین نواحی شمالی عربستان - تهامه، حجاز، نجد - میباشد.

عدنانیها که نواده ابراهیمند، ابتدا با دین ابراهیم خو گرفته؛ عقیده بخدا و قیامت؛ مناسک حج؛ قربانی، نکاح، کلمات عشر (۲) که مربوط به ستردن زوائد و کشفات بدن از جمله ختنه بود؛ در بین آنان نفوذ داشت.

کم کم مهاجرت یهود و آمیزش اعراب با آنان جمعی را متمایل بدین یهود کرد از جمله یمن و جمعی از مردم حمیر و غسان، یهودیت را پذیرفتند. ضمناً یهودیان بنی النضیر و بنی قریظه و خیبر که ساکنین اطراف مدینه بودند، در بین دو طایفه شهر نشین اوس و خزرج - مهاجرین یمنی - دین خود را رواج دادند.

احترام بکعبه و مناسک حج از طرف یهود هم تأیید شد. نفوذ کاهنین در بین عرب از اینجا

سرچشمه میگیرد .

روابط اقتصادی مردم حجاز با ممالک متمدن در افکار دینی آنان تأثیر زیادی کرد . بطوریکه از مردم روم اصراحت را برای طوائف دریعه و غسان و بعضی از قضاة سوغات آورد (۱) و از سرزمین ایران احترام بآتش و دو گانه پرستی را برای اکثریت مردم حمیر آورد شدیدترین لطمه دینی را از روابط تجاری خود باشام خوردند :

عمر و بن لحنی پایه گزار بت پرستی در عربستان ؛ سفری بشام کرد جمعی از عمالقه را دید که بت میپرستند . وقتی درباره موقعیت بت سؤال کرد ؛ گفتند اینها مارایاری کرده و برایمان باران فرود میآورند . او هم هوس کرد و تقاضای بتی از آنها نمود . هپل را بوی دادند و آن را بمکه آورد (۲) دامن بت و بت پرستی به پدید آمدن بتهای اساف و نائله ، ود و نسرو سواع ، لات و مناة و عزی و ... کشید که هر يك در نقطه می از مکه و اطراف آن قرار گرفته و مورد پرستش و احترام بودند سرانجام داستان بت پرستی بساختن و پرداختن بتهای گوناگون خانوادگی و قبیله می و عمومی کشید ، تا آنجا که در حدود سیصد یاسیصد و شصت در خانه کعبه و بر بام آن بنام هر يك از قبایل آویخته شد .

البته از ابتدا بنای عقیده به بت بر وساطت و شفاعت بود و الا نام الله بر زبان بت پرستان

هم جاری بود (۳)

شهر حران ، آنجا که ابراهیم دعوت خود را علیه ستاره پرستی آغاز کرد ؛ مرکز صابئین است . در این شهر ستارگان مورد احترامند . عقیده بعلم نجوم و ارتباط حرکات ستارگان را با مقدرات زمینی بعد اعلی رسانده و هر يك از ستارگان را آلهه یکی از حوادث میدانستند . هیاکل مریخ و مشتری و زهره و .. را باید در معرابگاه عبادت نصب کرد و از آنها کمک خواست ، و احیاناً قربانی هم بآنها تقدیم کرد .

گاهی فکر صابئی در توجه بملك و جن جلوه میکند و در مقابل صورت آنان عبادت میکنند .

ملائیکه را دختران خدا و مؤنث در حوادث میدانند . (۴)

و بالاخره کار خدا سازی و بت پرستی بآنجا میرسد که بتهایی بشکل حیوان و گیاه و انسان و جن و ملك ساخته میشود و عده خدایان عرب ؛ از خدایان روم و یونان کمتر نمیباشد . در میان تمام این افکار مختلف دینی ، جمعی هم بکلی منکر همه چیز شده و مرگ و

(۱) ملل و نعل شهرستانی ج ۳ باورقی ص ۲۶۹

(۲) تاریخ یعقوبی جلد اول صفحه ۲۹۵

(۳) سورة زمر آیه ۴ (۴) ملل و نعل شهرستانی ج ۳ ص ۲۷۱

زندگی را از پدیده‌های دهر و طبیعت میدانند و پایان ماجرای بشر را در آخرین لحظه حیات دنیوی تصور میکنند . (۱)

### تابلو درهم ریخته

بنابر این میتوان وضع دینی اعراب جاهلی را تابلوازم در رفته و درهم ریخته‌ئی از ادیان مختلف دانست :

صدای اللهم لبيك حجاج خاطرة عقيدة به الله را تجدید میکند .

بتهای آویخته بر بام کعبه نه‌ودار بارز بت پرستی است .

عکسهای عیسی و مریم در داخل کعبه جلوة عیسویت است .

نقوش و هیاکل آفتاب و ستارگان ؛ نفوذ صابئین را نمایش میدهد .

مناسک حج و عقیده بکهنه موقعت یهود را تثبیت میکند .

قصی بن کلاب جبر رسول الله (ص) با فریاد :

ارناً واحداً ام الفرب ادين اذا قسمت الامور

ترکت الالات والعزى جميعاً كذلك يفعل الرجل البصير

شرك و بت پرستی را محكوم میکند . و عبدالمطلب الاعلى دين ابراهيم مى گوید .

### تجارت و پرده‌داری قریش

سرزمین حجاز و بالاخص مکه آب و هوای حاصلخیز نداشت ، طبعاً مردم مکه مجبور بودند ؛ برای تهیه ضروریات زندگی و امرار معاش شهرها و ممالک متدین ، بعنوان تجارت ، سفر کنند ، طایفه قریش مسافرت زمستانی به یمن و تابستانی به شام داشتند (۲) .

خانه کعبه مهمترین وسیله امرار معاش و ادامه حیات قریش بود ؛ این خانه مورد احترام و زیارتگاه همه قبائل است ؛ چه ، هر يك در آنجا بتی داشتند . قریش وسائل مسافرت و راهها را برای جلب توجه زوار و مسافرین فراهم میکردند .

قصی بن کلاب جد پنجمین پیغمبر در قرن پنجم میلادی پرده‌داری کعبه را تحصیل کرد و این موقعیت حساس بین فرزنداناش تا طلوع اسلام میگشت ، پرده‌دار طبعاً حاکم مطلق شهرم بود . قریش احترام معنوی خاصی نظیر موقعیت لادی های یهود و کشیهای نصرانی داشتند .

مؤسسات وابسته بخانه کعبه از قبیل پرده‌داری - سقایت حاج - مهمان‌داری - دادرسی

۱- جائیه آیه ۲۳

۲- سوره قریش آیات ۲ و ۱ .

و غیره که بعد از بیست مؤسسه میرسید؛ همه در دست تیره های قریش بود؛ و بدین ترتیب حکومت و مشاغل حساس شهر را طایفه قریش اداره میکردند (۱).

### بازارها و ادبیات عرب

عربها در نقاط مختلف ده بازار بنام دومة الجندل - عدن - صنعاء - عکاظ و غیره داشتند که در ایام مختلف سال برپا میشد، در این بازارها خونریزی ممنوع بود؛ البته گاهی همچنان احساسات عصبی این قانون را درهم میشکست و بازار را بمیدان جنگ تبدیل میکرد، بازار عکاظ محترمترین بازارها بود که در ماههای حرام در نزدیکی شهر طائف برپا میشد در این بازار کالای قریش بمرض فروش قرار میگرفت در ماههای حرام خونریزی ممنوع بود و حتی وقتی جنگی در این ایام اتفاق افتاد؛ این جنگ را بنام «حرب الفجار» نامیدند، (احترام ماههای حرام از طرف اسلام تأیید شد) و این موقعیت خود برونق بازار عکاظ کمک میکرد.

از طرفی عکاظ نمایشگاه شعر و ادب شد، و شرکت کنندگان برقع پوش عالیترین آثار ادبی خود را عرضه میداشتند، بهترین قصائد انتخاب شده بدیوار کعبه آویخته می - گردید. سبعة معلقة محصول همین لیجنه ادبی است (۲) سرانجام فروغ آسمانی آیات قرآنی، نودضعیف ولرزان این اشعار را خاموش کرد؛ و مملقات را پایین آورد. اشعار جاهلی هنوز که هنوز است؛ ارزش خود را از دست نداده است:

اشعار خشن و غون آشامیکه گویا از دم شمشیر میچکد و از سرنیزه ها فرو می ریزد، از ریگستانهای وسیع الهام میگیرد و در بیابانهای سوزان پیش میتازد. بحشرات و حیوانات عشق میورزد و از بارانهای تند و پراکنده طراوت میگیرد و در کودالهای آلوده خاموش میشود.

اشعاریکه سوز و گداز شاعر را؛ در صحنه های تراژدی طلایه ها و ربیع و اطلال و دمن، پرده های تاریک شب، صدای زنگ کاروان در کنار تپه های پیچ در پیچ، منظره غم - انگیز غروب، جلوه میدهد.

۱- تاریخ تمدن اسلام ج ۱ صفحات ۱۶ تا ۲۲.

۲- تاریخ آداب العربی (مصطفی صادق راضی) ج ۳ ص ۱۸۶ در مملقات سبع بحث

این نکته هم گفتنی است که قصائد فراوانی بشماره جاهلیت نسبت داده اند؛ که تمام آنها مورد تأیید نیست. بطوریکه دکتر طه حسین در کتاب معروف خود بسیاری از این قصائد را از طریق نقد ادبی انکار میکند. و در هر حال اینمطلب قابل تردید نیست که ادبیات جاهلی مرتبه بلندی داشته است؛ (۱) یعقوبی (۲) بیش از هشتاد شاعر از جمله: امرء القیس - نابغه زبانی - اعی - مهلهل و غیره را نام میبرد که همه در قرون نزدیک بطولوع اسلام میزیسته اند.

### آداب و رفتار جاهلی

سرزمین عربستان؛ انسان سخت جان و جنگجو میپروراند. روح جنگجویی را باعصیت جاهلی (۳) و ناسیونالیزم شدید قبیله ای ضمیمه کنید، آنگاه خواهیم دید که این همه خونریزی بیجهت از کجا سرچشمه می گیرد؟ چرا باید برای جسارت کوچکی همچون پادراز کردن جوانی از یک قبیله در مقابل افراد قبیله دیگر؛ جنگی بیاشود که بیش از صدسال طول کشیده و صدها بشر را در کام خود ببلعد.

و بهمین دلیل اگر ضرورت زندگی ایجاب کرد؛ باید برای امرار معاش بقافله های دیگران حمله برده، و از طریق غارت و چپاول مال را آنها لقمه لذیذ زندگی تصویر کرد و حتی در قصائد خود این چپاول را بعنوان سند افتخاری بگوش آشنا و بیگانه رساند.

در این بین جمعی بانسب عرب آشنا هستند. از این دسته، برای ذکر مفاخر هر قبیله بخوبی میتوان استفاده کرد. چه؛ ارزش گذشته گان و دامنه شاخه های هر قبیله برای سیراب کردن روح عصیت قبائل وسیله مهمی است. *کام علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*  
مردمیکه برای زیاد جلوه دادن افراد قبیله خود گاهگاهی بسراغ قبرستان هامیروند و با شمارش گود مردگان خود دفونی خویش را اثبات مینمایند (۴)

در کارهای بزرگ فال می گیرند و از «ازلالم» برای تعیین مقدرات خود استفاده میکنند ستاره شناسان و جادوگران و کاهنین بزرگترین منبع الهام این مردمند.  
ازدواج گاهی بصورت قانونی انجام میگردد و زمانی از روابط نامشروع زن و مرد شروع شده و پس از حمل و زایمان، مردم مجبور میشود که بازن ازدواج کند.

۱ - فن الادب (توفیق الحکیم) ص ۲۶

۲ - تاریخ یعقوبی ج ۱ ص ۳۰۳ تا ۳۱۶

۳ - سوره فتح آیه ۲۶

۴ - تکاثر آیه ۲ و ۳

بالاخره جمعی هم از زنان «ذوات الرایات» اند که برچم پیروزی! خود را که نماینده صاحب عمومی و روابط همگانی!! با مردها است؛ بر بام خانه خود نصب کرده اند. تنها وقتی بچه‌ای از اینبچه آلودگی پدید می‌آید؛ زن او را بهر که می‌خواست؛ نسبت می‌دهد.

و در عین حال از روابط جنسی مردان بایکدیگر در بین این مردم وحشی اثری نیست و حتی در اشعار عرب جاهلی از وصف و معاشرت و تشبیب پسران نمونه‌ای دیده نمی‌شود. (برخلاف اشعار سرزمین گل و بلبل ما. آنهم در دوران تمدن!!!)

شراب خرمادر بیشتر خانه‌ها یافت می‌شود و دوسراسر این سرزمین نام چند نفری بگوش می‌خورند، که شراب را حرام میدانند. حتی این عادت بطوری در بین آنان ریشه دوانده است که اسلام ماجرای تحریم شراب و مبارزه با آنرا، ضمن چند سال؛ طی مراحل اعلام می‌کند. زن در بین آنان بشدت محکوم است و تنها برای بار کشیدن و اطفاه غریزه جنسی بکار می‌خورند و بادر نظر گرفتن تعصب شدید قبیله‌ای خواهیم دانست که چرادختران رازنده بگور میکنند؛ - تا مبادا در آینده بدامن مردی از افراد قبیله دیگر بیفتند و این لکه تنگ! بدامن قبیله عروس بماند (۱)

و بهمین دلیل کسی حق ندارد؛ دختر خود را بمردی از قبیله دیگر تزویج کند، تنها طایفه قریشند که میتوانند از هر قبیله‌ای زن اختیار کنند.

این مردم در مشکلترین شرایط زندگی میکنند: بر روی سنگهای خشن و در جوار حشرات و مارهای گزنده می‌خوابند و از آب گندیده (۲) و غذای آلوده و احياناً برگ درختان استفاده میکنند. جنگهای قبائل و دشمنیهای همیق؛ روابط آنرا درهم شکسته است آداب مذهبی در بین آنان بصورت رسوایی مسخ شده است: باخون قربانی سر و روی بترا رنگین میکنند؛ آنکه بکنوع عقیده بقیامت دارد دخترش را در کنارش دفن میکنند، تا پیاده نماند، اطراف خانه کعبه بنوان نماز و طواف، زن و مرده، لغت مادر زاد، کف میزنند و صغیر میکنند (۳).

و بالاخره بت پرستی، تعصب؛ خونریزی؛ چپاول؛ زنا؛ شراب، قمار؛ دختر کشی

و حشیگری و هزاران آلودگی دیگر، نمودار اخلاق و آداب این مردم است. بسال ۶۰۹ میلادی در چنین سرزمینی و از بین چنین مردمی؛ بزرگ پایه گزار نهضت اسلامی - حضرت محمد بن عبدالله (ص) - برانگیخته شده و مبارزه مقدس و دامنه دار خود را آغاز میکنند...